مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

میرعبدالواحد سادات ۲۰۲۲/۰۲/۱۲

یادواره از آزادیخواه سترگ و مورخ بزرگ وطن

در مبارزهٔ تاریخی علم و جهل که همین اکنون نیز با شدت در افغانستان جریان دارد و فیالواقع یکی از مشخصههای عمدهٔ روال جاری تاریخ کشور ما را میسازد، بسیار ضرور است تا پدران معنوی خویشرا گرامی بداریم و راه و رسم وطندوستانه، منورانه و مترقی شان را ملاک عمل قرار بدهیم و به همین ارتباط و به ادامهٔ تلاشهای سایر قلمبدستان منور، این نبشته را که به ارتباط نشر جلد دوم «افغانستان در مسیر تاریخ» تهیه و به چاپ رسیده بود، به بهانهٔ چهل و چهارمین سالگرد وفات مورخ نامدار و مبارز استوار راه آزادی، ترقی و سعادت مردم بنشر میسپارم.
در احوال ناهنجارکنونی که تیشهها از داخل و خارج ب ریشهٔ تاریخ و فرهنگ افغانستان زده میشود و تلاش مذبوحانه به خاطر وارونه ساختن تاریخ کشور ما انجام میگیرد، بدون شک یکی از وظایف مبرم و با اهمیت در نشرات ملی و فرهنگی افغانها، در راستای پاسداری از تاریخ و فرهنگ جاویدان کشور، همانا معرفی رجال و شخصیتهای برجسته تاریخی ، ملی، فرهنگی و اجتماعی میباشد.
با درک از همین نیازمندی، از آنجایی که نشر جلد دوم افغانستان در مسیر تاریخ یکباردیگر نام مؤرخ بزرگ افغان شادروان میرغلام محمد غبار را مطرح ساخته است، خواستم تا مطالبی را پیرامون شخصیت بزرگ شان تهیه و برای خواننده گان عزیز تقدیم بدارم:
در ابتدا میخواهم صادقانه مطرح نمایم که پرداختن پیرامون شخصیت مرحوم غبار که واقعاً بزرگ و کثیرالابعاد است از توان خامهٔ ناتوان من بدور بوده و هم در چند صفحهای محدود ممکن نمیباشد. اما به تأسی از کلام مولانای بزرگ که:

آب جیهون را اگر نتوان کشید
هم به قدر تشنگی بتوان چشید

با رعایت اجمال و اختصار به معرفی و گرامیداشت این شخصیت فرهیختهٔ ملی سیاسی، ادبی، اجتماعی، فرهنگی، محقق و پژوهشگر فرزانهٔ کشور ما میپردازیم:
مؤرخ فقید افغان، استاد میرغلام محمد غبار که به حق از زمرهٔ مردان تاریخ است نه تنها در سطح ملی و منطقهیی، بلکه در مقیاس جهانی نیز در زمرهٔ نخبگان معاصر شرق ، شناخته شده است.
شادروان غبار بیشتر از شش دهه به مثابهٔ نویسندهٔ توانا، زبردست و روزنامه نگار به کار پرمشقت تحقیق و پژوهش میپرداخت و هم زمان درطی این مدت بمثابه یک وطن دوست واقعی، استقلال طلب، مشروطه خواه و سیاستمدار پرخاشگر، درمیدان پُرتلاطم سیاست افغانستان حضور فعال داشت؛ با همین حقایق است که نام استاد بزرگوار غبار با مفاهیم:
مبارزه، استواری، استقامت، ترقی، عدالت خواهی، تامین حاکمیت قانون و تحقق دموکراسی و ضدیت با استعمار، ظلم و استبداد عجین گردیده است و نام شخصیت او به گفته یکی از محققین ما بمثابه فریاد وجدان جامعه افغانی شناخته شده است.
یکی ازنویسنده گان معاصر شخصیت شادروان غبار را چنین ترسیم مینماید:
«قامت بلند و استخوانی غبار، گویی صلابت هندوکُش را برشانه میکشید و باهیبت، بیننده را به احترام وامیداشت و در جبینش شور وطنپرستانهٔ نسلها نهفته بود»
و درست در همین ارتباط باید کلام معروف مولانای بلخ را به تمسک گیریم که:

سالها درکعبه و بتخانه مینالد حیات

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

تا ز بزم عشق یک دانای راز آید برون

مرحوم میرغلام محمد غبار در سال (1898 م) در شهر کابل دیده برجهان گشود. ایام نوجوانی و شبابش با آغاز نهضت مشروطیت اول، نشر سراجالاخبار و سالهای پرآشوب اوج گیری جنبش استقلالخواهی، مشروطیت، احراز استقلال و آغاز نهضت امانی مصادف است.
غبار ملهم از اندیشهٔ قافله سالاران نهضت مشروطیت و متأثر از صحت علامه محمود طرزی (پدرژورنالیزم افغانستان) و رهروان جنبش آن عصر، همانند شادروان عبدالهادی داوی و عبدالرحمن لودین و سایرین محشور و یار و یاور گردید. غبار فقید، اندیشههای والای آزادیخواهی، مشروطیت، استقلال خواهی، مبارزه علیه استعمار و مبارزه علیه ظلم و استبداد را از همان عنفوان جوانی بر مبنای حب وطن فراگرفت و در مراحل مختلف مبارزه بدون تزلزل آنرا به پیش کشید و در راه تحقق این مامول شریفانه و انسانی انواع تهدید، تخویف، تحقیر و اعمال فشار بر اعضای فامیل تبعید و چندین بار زندان را متحمل گردید. اما هیچگاه چرخ روزگار و خم و پیچ جادهٔ تاریخ و ناملایمات روزگار در روند عقاید راسخ سیاسی این رهنورد راه آزادی ، ترقی و سعادت مردمی خللی وارد ساخته نتوانست.
شادروان غبار طی سالهای مبارزه ، در جنبش مشروطیت اول و دوم شرکت کرد و یکی ازچهرههای نهضت امانی به حساب میآمد که با سرمُحرری جریدهٔ ستاره افغان، وکیل در شورای دولت و عضویت درلویه جرگه، با زبان گویا و قلم رسا در پخش و نشر اندیشههای نهضت، فعالانه سهم گرفت و فیالواقع بمثابه یکی ازبنیاد گذاران دولت ملی مبتنی بر قانون و مدافع حاکمیت ملی قلمداد میگردید.
غبار فقید در دورهٔ هفتم شورا و یا مشروطیت سوم با عضویت در پارلمان، تأسیس حزب وطن و نشر جریدهٔ وطن به یکی از پرشهرتترین رهبران نهضت مبدل گردید. در سالهای بعد از انفاذ قانون اساسی (1964 م) استاد غبار علی الرغم آنکه ایام جوانی را پُشت سر گذشتانده
بود، با همان اندیشه و احساسات روزگار شباب بیشتر وقت گرانبهای خویش را مصروف پژوهش و تحقیقات علمی میساخت.
مرحوم غبار درمیدان مبارزه و پیکاری در حالی که از درک و آگاهی همه جانبهیی برخوردار بود ، با هرنوع مجامله، کرنش و کتمان حقایق آشتیناپذیر بود و هرگز نخواست حقیقت را فدای مصلحت نماید، چنانچه خود استاد گفته است:

همت عالی من میل به پستی نکند
گرد گردیدم و طرف ثریـــا رفتم

غبار در ارائهیی اندیشه و ابراز عقاید خود صادق و از صراحت لهجهٔ کم نظیر برخوردار بود.
چنانچه در دههٔ اخیر رژیم شاهی که از وی تقاضای همکاری کرده بودند عدم موافقت خود را چنین ابراز داشته بود:
»اگر دموکراسی اجازه میدهد که مخالفین هم در برابر حکومت وجود داشته باشد، پس من همان مخالفم«
شیوهٔ تحقق و روشن علمی تاریخ نویسی غبار ، به گفتهٔ شاعر فرزانه احمد شاملو کدام قصه و یاپیغام سر بسته نبود، بلکه نگارش جسورانهٔ واقعیتهای تلخ و شیرین تاریخ کهنسال افغانستان است که با دیدهٔ تیزبین و تحلیل و تحقق منتقدانه بهم آمیخته گردیده و درست بر همین بنیاد است که غبار در ردیف پژوهشگران طراز اول کشور ما شناخته میشود.
با حصول زحمات طاقت فرسا، تحقیق و پژوهش استاد مرحوم که با سرمُحرری جریدهٔ ستاره افغان مسؤولیت جریدهٔ وطن ، کار در انجمن ادبی و تاریخ کابل همکاری با مجلهٔ وزین آریانا تداوم یافته، شامل دهها مقاله و نوشته و چهارده جلد کتاب معتبر تاریخ است که معروفترین آنها:
-تاریخ مختصر افغانستان
–تاریخ احمد شاه بابای ابدالی
–افغانستان به یک نظر
–تاریخ قرون اولی، افغانان در هندوستان
–تاریخ ادبیات افغانستان و غیره میباشد.
که طبعاً افغانستان در مسیر تاریخ مهمترین اثرشان محسوب میگردد که فیالواقع آئینهٔ واقعی تاریخ ما به حساب میآید.
حاکمان آنوقت چاپ این کتاب را که با مساعی آزادیخواه و شاعر بزرگ بینوای فقید و در حکومت مرحوم میوندوال انجام یافت ، همچون گرزی بر فرق خویش تلقی کردند که گویی بان شر آن طشت رسوایی اسلاف شان از بام میافتد.
از همین لحاظ در چند مرحله در برابر نشر آن سنگ ندازی نمودند، تا اینکه با ختم سلالهٔ نادری این کتاب اقبال نشر یافت.
جلد دوم افغانستان در مسیر تاریخ که درسال (1972 م) تحریر یافته در سال (۲۰۰۰ م) در امریکا یعنی قریب به بیست و دوسال بعد ازمرگ مؤلف چاپ و نشر گردیده است. جلد دوم در واقع ادامهٔ جلد اول است که طبعاً بنابر

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

افشای اعمال حاکمان بر سراقتدار ، مجال طبع و نشر آن ناممکن بود و حوادث سالهای پرمنجلاب ربع دوم قرن گذشته عیسوی را بازگو و بررسی میکند.
میراث معنوی این استاد بزرگ (برعلاوه آثار کتبی و مطبوع) عبارت از ارثیه گران بها و جاودانی است که شامل سجایای عالی اخلاقی، پایداری استواری، شکیبایی، تسلیم ناپذیری و
اعتقاد راسخ و خلل ناپذیر به حقوق انسان و اصول استقلال و حاکمیت ملی، حاکمیت قانون، آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی، ترقی و سعادت مردم میباشد که برای سالها و نسلها الهام بخش وطن دوستان و منورین افغان خواهد بود.
خالی از دلچسپی نخواهد بو اگر از بُعد دیگری شخصیت مرحوم غبار، یعنی از شاعر بودن شان نیز یاددهانی نموده و منحیث نمونه شعر پرافاده حبسیه «بهار» را که در ایام حبس در زندان سروده اند، متذکر شویم:

نزد دولت اگرچه مغضوبم
بر ملت عزیز و محبوبم
سخت گیرند تا که رام شوم
یاچاپلوسی کنم غلام شوم
لیک غافل که گردن احرار
در نیابد به چنبر اشرار
اول رنج و زحمت است اینجا
فتح باب مشقت است اینجا
تازه این جایگاه احرار است
وای از آنجا که اشرار است

این ابرمرد سیاست و پژوهشگر فرهیختهٔ کشور ما در فبروری (1978) عیسوی به جاودانگی پیوست و در«شهدای صالحین» رُخ در نقاب خاک کشید و در لوح مزارشان این کلام شان منقوش است:

مکن زیان من بسته ای اجل که هنوز
هزار نکتهٔ ناگفته در دهن باقیست

منحیث حسن اختتام با مرثیهٔ استاد واصف باختری شاعر گرانقدر وطن ما، بمناسبت وفات مرحوم غبار این نوشته را خاتمه میدهیم:

الایا پاسبان کوی و خشوران
سرود سوگواری سرکن ای خنیاگر تاریخ
که آن یاقوت بیهمتا فتاد از افسر تاریخ
الایا پاسدار معبر تاریخ
به پا برخیز که اینک مهمانی تازه در راهت
بهران کاین مهمان هرگز نخواهد رفت بیرون از تاریخ
غبارش نام اما اخگری از آذر تاریخ
بلی، گردن فرازی از تبار برتر تاریخ
الایا، پاسبان معبر تاریخ
فروزاندار آتشگاه نام تابناکش را
برافراز این درفش کاویانی را فراز سنگر تاریخ

پایان
با حرمت.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ